

دوباره و دوباره برنامه های تعدیل ساختاری که به شدت توسط صندوق بین المللی پول (IMF) تشویق شده و توسط بانک جهانی حمایت میشوند، به اثبات رسانده اند که به لحاظ سیاسی و از نظر اجتماعی برای بسیاری از کشورهای جهان سوم فاجعه بار هستند. این توصیه های خارجی تصور شده در دفتر مرکزی در واشنگتن، DC، اغلب موفق به شناسایی تفاوت های مشخص شده ای که در میان کشورهای جهان سوم وجود دارد نمیشوند. شرایط داخلی تا حدی از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است که دستور العمل های اقتصادی برای توسعه درک شده خارج از کشور همیشه با خطر شکست مواجه خواهد شد مگر اینکه به اندازه کافی برای تبنانی های گسترده انعطاف پذیر باشد. هیچ چیز بهتر از مقایسه سریع بین گزارش سالانه 1991 آنها، تضاد بین UNDP در یک سو، و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از سوی دیگر در رویکردشان نسبت به استراتژی های توسعه را نشان نمیدهد. اگر چه رئیس بانک جهانی در مقدمه گزارش خود اعلام کرد که "بازار به تنهایی اطمینان نمیدهد که مردم، به خصوص فقیرترین آنها، آموزش کافی، مراقبت های بهداشتی، تغذیه، و دسترسی به برنامه های تنظیم خانواده" را دریافت میکنند (بانک جهانی، 1991، ص III)، یک نمای کلی از این گزارش نمیتواند هرگونه استراتژی برای رسیدگی به این موضوع را نشان دهد. در مقابل، گزارش UNDP به روشنی بیان کرد که "عدم تعهد سیاسی، نه منابع مالی، اغلب علت واقعی غفلت انسان است" (برنامه توسعه سازمان ملل 1991، ص 1). گزارش UNDP ابتدا به تامین مالی توسعه انسانی از طریق محدودیت بودجه های ملی و کمک های بین المللی میپردازد. این گزارش نتیجه میگیرد که بیشتر هزینه های فعلی گمراه کننده بوده و کاربردی ناکارآمد دارند.